

باسمه تعالی

نکات مهم تبیینی در حوادث و اغتشاشات پس از درگذشت خانم مهسا امینی (ناظر بر سوالات و دغدغه های احتمالی مطروحه از سوی رسانه ها، مخاطبان و افکار عمومی کشورهای میزبان)

مقدمه:

درگذشت خانم مهسا امینی و متعاقبا بروز اغتشاشات اخیر، مولد دغدغه ها و پرسشهایی در آن سوی مرزها نسبت به این وقایع و ماهیت آنها بوده است. اگرچه بخشی از این سوالات به صورت هوشمندانه و هدفمند و با هدف تکمیل پازل های جنگ روانی - تبلیغاتی علیه نظام جمهوری اسلامی صورت می گیرد، اما در کنار مواجهه با این رویکرد هدفمند دشمنان، نمی توان ماموریت مهم "اقناع افکار عمومی جهان" و خصوصا " افراد خاکستری و بی طرف" را در قبال تحولات جاری در کشورمان فراموش کرد. در این میان، نمایندگی های فرهنگی کشورمان در آن سوی مرزها نقش به سزایی در روشنگری نسبت به ابهامات مطرح شده در قبال پرونده خانم مهسا امینی و اغتشاش های جاری در کشورمان دارند. در این خصوص ملاحظات و نکات مهمی وجود دارد که لازم است در مواضع رایزنان و وابستگان فرهنگی کشورمان و شبکه های ارتباطی وابسته به رایزنی ها در خارج از کشور مدنظر قرار گیرد.

1- نسبت تحولات اخیر در ایران باید با روندهای کلان و مناسبات و دغدغه های ایجاد شده در جهان امروز سنجیده شود. واقعیت امر این است که جمهوری اسلامی ایران با طرح مبانی و اصول فرهنگی جدید در مقیاس منطقه ای و جهانی، الگوهای حکمرانی مدنظر غرب را به چالش کشیده است. در چنین شرایطی مخالفان ایران از هر گونه فرصتی جهت ضربه زدن به نظام و ملت ما استفاده می کنند.

2- نوع نگاه و تفاسیر ارائه شده در حوادث پس از درگذشت خانم مهسا امینی، ارتباط مستقیمی با نوع نگاه ماهوی نسبت به نقش آفرینی فردی و اجتماعی زنان دارد. در یک نگاه نازل، برخی معتقدند که ارزش زن ناظر بر جذابیت های جنسی و مالکیت و مدیریت آن بر بدن خود است. با این حال در نگاه ارزشمدارانه دینی و انقلابی، زن در مقام پرورش دهنده و تربیت کننده جامعه و نسل های جدید مورد قضاوت قرار می گیرد.

3- درگذشت خانم مهسا امینی به عنوان یک شهروند ایرانی منجر به نارضایتی مسئولین کشورمان شده و این پرونده فارغ از هیاهو های تبلیغاتی جریانات مخالف جمهوری اسلامی ایران، با توجه به مستندات پرونده و در دستگاه قضایی در حال پیگیری است.

4- میان "اغتشاش" و "اعتراض" تفاوت اساسی وجود دارد. تحرکاتی که امروز به صورت محدود در برخی خیابانهای تهران و دیگر شهرها صورت می گیرد منجر به تخریب اموال عمومی و حتی کشته و زخمی شدن چندین تن از ماموران پلیس و شهروندان شده است.

5- دلیل قطع اینترنت در کشور، صیانت از حقوق کلیه افراد جامعه از جمله افراد معترض و با هدف جلوگیری از سوء استفاده اغتشاشگران از فضای مجازی جهت تهییج افراد و القای اخبار کاذب و تحریک کننده است. همچنین با توجه به استفاده لیدر های سازماندهی شده جریانات ضد انقلاب از شبکه های اجتماعی برای سازماندهی آشوب ها در کشور، محدودسازی فضای مجازی یک پیش شرط الزامی با هدف حفظ جان شهروندان و اموال عمومی محسوب می شود. بدیهی است که محدودسازی ارائه خدمات اینترنتی معطوف به رویکرد ذاتی و کلان نظام جمهوری اسلامی نیست و به محض پایان اغتشاشات و ایجاد آرامش کامل در کشور، این محدودیت تا حدود زیادی از بین خواهد رفت.

6- دلیل تجهیز برخی از نیروهای پلیس به سلاح گرم در جریان ناآرامی ها، مهار اغتشاشگران و نه معترضین است. آتش زدن یک نیروی پلیس یا بریده شدن گلوی یک پلیس دیگر و شهادت چند تن از اعضای پلیس و حافظان امنیت کشور، اقتضا می کند که پلیس قدرت بازدارندگی خود را در برابر هرگونه حمله احتمالی و غیر قابل پیش بینی تقویت کند. بنابراین، تجهیز پلیس به سلاح گرم بر اساس اصل "بازدارندگی" صورت می گیرد. فراتر از آن، در بسیاری از موارد، کشته شدگان اغتشاشات با سلاح های پلیس کشته نشده و به عبارت بهتر، قربانی کشته سازی جریانات معاند و ضد انقلاب و برخی سرویسهای خارجی شده اند.

7- در جریان اغتشاشات اخیر شاهد تولید و گردش انواع اخبار دروغ از سوی نهادهای رسمی (سیاسی) و غیر رسمی (رسانه ای) قدرت در غرب علیه ماهیت نظام جمهوری اسلامی و ماجرای درگذشت خانم مهسا امینی بوده و هستیم. به عنوان مثال، رسانه های ضد انقلاب که مورد حمایت دستگاههای قدرت در غرب هستند، تصاویری مبهم و دروغین را در اثبات اصابت ضربه به جمجمه خانم امینی منتشر کردند که پس از گذشت مدت زمانی اندک، دروغین بودن آن از سوی منابع پزشکی (خصوصاً در گزارش اخیر پزشکی قانونی که با حضور پزشکان معتمد برگزار شد) مشخص شد.

8- بازداشت‌های صورت گرفته در جریان اغتشاشات، به وضوح بیانگر تعلق خاطر اکثر آشوبگران به گروه‌های تجزیه طلب مانند حزب کومله کردستان و گروه‌های تروریستی مانند منافقین باز می‌گردد.

تبصره: در اینجا موضوع کشتار هزاران نفر از شهروندان کشورمان توسط گروه تروریستی مجاهدین خلق (منافقین) و خیانت این گروه و حزب کومله کردستان در جریان هشت سال جنگ تحمیلی و همراهی آنها با رژیم صدام در کشتار مردم ایران مورد اشاره قرار گیرد.

9- زد و خورد صورت گرفته میان طرفداران حزب کومله کردستان و پلیس نیروژ در مقابل سفارت ایران در اسلو که منجر به دستگیری دهها نفر از آنها شد و همچنین زد و خورد گروه‌های ضد انقلاب با پلیس انگلیس و فرانسه که منجر به زخمی شدن چند تن از افراد پلیس شد، تنها بخشی از انعکاس بیرونی و واقعی از آن چیزی است که توسط اغتشاشگران در خیابانهای داخل کشور صورت می‌گیرد.

تبصره: ماجرای زد و خورد جریانات ضد انقلاب با پلیس کشورهای میزبان آنها به عنوان نماد عدول آنها از نظم، امنیت، قانون و عدم پابندی آنها به بایسته های زندگی جمعی و تحمل نظرات مخالف حتما مورد اشاره قرار گیرد.

10- شعار "زن، زندگی، آزادی" محترم بوده و اتفاقاً یکی از مهم ترین دلایل پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سرخوردگی زنان از نگاه ابزاری و جنسی رژیم گذشته و فاصله گیری سیستماتیک نظام گذشته از اصول و بایسته های اخلاقی بود. قاطبه ملت ایران "هرج و مرج" و "عبور از مرزهای اخلاقی" و "توهین به ارزشهای انسانی" را مصداق آزادی ندانسته و آن را خط قرمز خود می‌دانند. رویگردانی بسیاری از معترضین از افراد افراطی، بیانگر همین مسئله است. منظور جمهوری اسلامی از "آزادی زنان"، حفظ حیا و کرامت آن در زندگی اجتماعی و تبدیل اجتماع به بستری امن برای آنهاست.

تبصره: در اینجا می‌توان به تحولات اخیر در جوامع اروپایی و بازگشت نئونازیسم و نئوفاشیسم و ملی گرایی افراطی در اروپا اشاره کرد. اینکه عدول از ارزشهای معنوی، نفی کرامت انسانی و حتی به حاشیه راندن نهاد خانواده و سبک زندگی سالم، منجر به رویگردانی شهروندان از جریانات سنتی و متعارف قدرت در غرب شده است.

11- تبلیغات گسترده رسانه ای ضد ایرانی استانهایی مانند کردستان و زاهدان، با هدف "تجزیه ایران" صورت گرفته است. در این خصوص حتی جریانهای رسانه ای تحت حمایت غرب و رژیم صهیونیستی دروغی تحت عنوان تجاوز یکی از مسئولین نیروی انتظامی در زاهدان را منتشر کردند. متعاقب این رخداد، گروه تروریستی "جیش العدل" که مورد حمایت عربستان سعودی و در مناطق قبایلی و بیابانی پاکستان مستقر است، نسبت به توزیع اسلحه در میان عده ای از ساکنان زاهدان و ساماندهی حمله به مراکز پلیس اقدام کرد. نکته حائز اهمیت اینکه گروه "جیش العدل" رسماً مسئولیت اقدامات ضد امنیتی اخیر در زاهدان را بر عهده گرفته است. حتی مولوی عبدالحمید و برخی علمای دیگر اهل سنت در ایران، نیروی انتظامی ایران را از این اتهام کذب مبرا ساخت و بر لزوم هشیاری اهالی زاهدان در برابر توطئه های جریان جیش العدل تاکید کرد.

تبصره: در اینجا حتماً به حضور دولت بایدن در آمریکا و نگاه خاص دموکراتها و شخص رئیس جمهور فعلی آمریکا به مقوله "تجزیه کشورهای رقیب بر اساس مولفه های دینی و قومی" اشاره شود. به صورت مصداقی، می‌توان به طرح بایدن در سال 2006 میلادی (زمانی که سناتور ایالت دلاویر آمریکا بود) در خصوص فدرالیزه کردن عراق و تجزیه آن به سه بخش "عراق سنی نشین"، "عراق شیعه نشین" و "عراق کرد نشین"

اشاره کرد. در اینجا تاکید شود که دولت آمریکا اکنون همان نقشه راه را در قبال سایر کشورهای مخالف خود و با رویکردی غیر اعلامی اما محسوس دنبال می کنند.

12- در سال 2018 میلادی و در دوران ریاست جمهوری ترامپ، افرادی مانند جان بولتون مشاور امنیت ملی دولت وقت آمریکا اعلام کرده بودند که انقلاب اسلامی ایران به چهلمین سال پیروزی خود خواهد رسید و به دنبال خروج کاخ سفید از برجام و اعمال "استراتژی فشار حداکثری" علیه ایران سرنگون می شود! با این حال نظام و ملت ایران با مقاومت همه جانبه خود در برابر فشار تحریمها و تهدیدات آمریکا، رژیم صهیونیستی و برخی متحدان اروپایی و منطقه ای کاخ سفید، پیروزی بزرگی در این میدان به دست آورد. در چنین شرایطی دشمنان ایران به بهانه های گوناگون، در صدد القای آشوب و ناامنی در کشورمان با هدف انتقام از مردم هستند.

13- تکنیکهای رسانه ای به کار گرفته شده از سوی دشمنان ایران و جریانات ضد انقلاب اسلامی نشان می دهد که برنامه ریزی مدون و هماهنگی (از گذشته) در تقابل با کشورمان صورت گرفته است. این تکنیکها عبارتند از:

الف) تکنیک خلق روایت اول (اکثر اخباری که تحت عنوان اخبار دسته اول توسط جریانات ضد انقلاب ارائه شده، جعلی بوده است)

ب) تکنیک اغراق (گسترده جلوه دادن جمعیت اغتشاشگران یا القای مخالفت حداکثری زنان و نوجوانان با نظام جمهوری اسلامی)

ج) تکنیک سانسور (لاپوشانی و کتمان وقایعی مانند تظاهرات گسترده مردمی در مخالفت با اغتشاشگران و در مقابل، برجسته سازی اقدامات اغتشاشگران)

د) تکنیک وارونه نمایی (قلب و تحریف علنی مواضع و سخنان شخصیتهای فرهنگی و سیاسی کشور با هدف ایجاد و تثبیت خشم اقشار مردم)

تبصره: در اینجا تاکید شود که بسیاری از مردم به دلیل آشنایی با رویکرد ذاتی و تقابلی غرب و رسانه های معاند، فریب چنین تاکتیکهایی را نمی خورند. با این حال، برخی از افرادی که دارای "سواد رسانه ای" کمتری می باشند، تحت تاثیر این القائات قرار می گیرند.



<https://twitter.com/anonymousopiran>